

حاشیه نشینی سیاسی، یک معضل قدیمی کومه له

(درحاشیه نوشته و مصاحبه اخیر رفیق ابراهیم علیزاده)

ماجرا پنهان نمی گردد. این شیوه موضعگیری روی برگرداندن از واقعیات و بی تفاوتی سیاسی، آب سردی بود که رهبری کومه له در وهله اول بر سر چپ به حرکت در آمده درون تشکیلاتشان ریخت، فرمان ایست به کسانی بود که از خواب آلودگی رهبری و گوشه نشینی تاریخی آن به ستوه آمده و می خواستند در این تقابل سیاسی پا پیش بگذارند، دخالت نمایند، نقش بازی کنند و در برابر قمه کشی باند زحمتکشان از خود دفاع کنند. رهبری کومه له با چنان شیوه برخورد به لاک خود فرو رفت. بدین ترتیب تشکیلاتشان را در برابر باند مهتدی-ایلخانی زاده که از تهدیدهای خود کوتاه نیامدند به موضع ضعف و دفاعی انداخت. اگر حزب کمونیست کارگری ایران در این

نظرشان اینها چه پدیده ای هستند و مردم بدانند کومه له امروزه چه سیاستی را در رابطه با این قوم پرستان نوظهور دارند و در این تقابل ها که حزب کمونیست کارگری ایران هم فعالانه دخالت کرد و از آنها دفاع سیاسی کرد، خودشان کجا ایستاده اند.

اما نوشته رفیق ابراهیم علیزاده و مصاحبه او در نشریه شماره ۶۱ جهان امروز بی حاصلی این انتظار را بار دیگر نشان داد و برای چندمین بار معضل حاشیه نشینی سیاسی یک دهه اخیر کومه له و توجهات قدیمی آن را برای گریز از دخالت فعالانه در مسائل سیاسی در مقاطع مهم را آشکار کرد. با گفتن اینکه اینها "بگو مگوهای سیاسی" اند و "عمرمان را صرف امر مفید تری بکنیم"، کاری درست نمی شود و واقعیت



مجید حسینی

موضعگیری رهبری کومه له در مورد تقابلهای سیاسی که حول و حوش انشعاب باند ایلخانی-مهتدی شکل گرفت، به نوبه خود جالب و تماشائی است. در حالیکه باند زحمتکشان مهتدی با تهدید و گذاشتن چاقو زیر گردن کومه له آشکارا قلدری میکرد، انتظار می رفت رهبری کومه له از خود دفاعی بکند، ماهیت این دارودسته را برای مردم توضیح دهد و بگوید از

جلال طالبانی و بازی شرمندگی با کومه له

صفحه ۳

بازهم در باره

مواد مخدر

صفحه ۴

نوشته های اخیر رهبری کومه له در رابطه با تعریف و تفسیر از سیر رویدادهای گذشته حزب کمونیست ایران و کومه له و رویدادهای سیاسی دوره کنونی دارای ایرادات بسیار جدی اند که باید پاسخ بگیرند. من اینجا فقط به بررسی مختصر چند

صفحه ۲

به مقر مزدوران حمله کرده و آن را خلع سلاح کردند. رژیم تلاش کرد به بهانه برچیده شدن این مقر، جنگی وسیع و همه جانبه را به مردم شهر مریوان تحمیل کند. نیروهای زیادی از سپاه و مزدوران محلی را به فرماندهی مرتجعی چون چمران برای پیشبرد این جنگ در پادگان مریوان جمع آوری کرد و به تهدید کردن و تبلیغات جنگی پرداخت. فرمانده پادگان شهر در مذاکره ای با نمایندگان شورای شهر مریوان اعلام کرد در صورتیکه مردم اسلحه های خود را تحویل ندهند به شهر حمله خواهند کرد. بعد از چند بار مذاکره با نمایندگان شورای شهر که تسلیم زورگویی آنها نشدند، درصدد حمله به شهر بر

صفحه ۴

باز کند. در همین راستا در شهر مریوان مقر سپاه پاسداران را با کمک مکتب قرآن دایر کردند که مورد نفرت و خشم مردم قرار گرفتند. روز ۲۳ تیر ۱۳۵۸ مردم این شهر در تظاهراتی ده هزار نفره در اعتراض به این توطئه، از افراد مسلح این مقر خواستند که مقر را تعطیل کرده و خود را تسلیم مردم نمایند. اما مزدوران مستقر در مقر به طرف تظاهرکنندگان تیراندازی کرده و سه نفر از جمله رئوف کهنه پوشی کمونیست خوشنام، محمد دروسید کارگر مبارز شهرداری، و محمود بالکی عضو فعال اتحادیه دهقانان جان باختند. جمعیت خشمگین تظاهر کننده و نیروی مسلح اتحادیه دهقانان که این تظاهرات را حمایت می کرد با مشاهده این اقدام جنایتکارانه

به یاد کوچ تاریخی مردم شهر مریوان

تشیت شده و تا به امروز به حاکمیت سپاه خود ادامه داده است.

۲۲ سال قبل مردم ایران در یک انقلاب آزادیخواهانه رژیم دیکتاتوری شاه را به زیر کشیدند، ضد انقلاب اسلامی با کمک دول غربی به قدرت رسید و برای سرکوب انقلابی که شاه از مقابله با آن ناتوان بود، با تمام قوا به سرکوب مردم پرداخت. در کردستان کمونیست ها و چپ ها قوی بودند و نفوذ اجتماعی وسیعی داشتند. رژیم برای مقابله با رادیکالیسم مردم آزادیخواه کردستان با تکیه بر مرتجعینی چون مفتی زاده و خوانین و فئودالهای منطقه می خواست جا پای برای خود



صالح سرداری sardari@web.de

کوچ مردم شهر مریوان یکی از وقایع و لحظاتی است که در تاریخ مبارزه بیست ساله مردم کردستان علیه جمهوری اسلامی نقش ویژه ای دارد. علیرغم تلاش جمهوری اسلامی این کوچ نه فقط در ایران بلکه در تمام دنیا انعکاس وسیعی پیدا کرد. گرامی داشت این واقعه تلاش است برای زنده نگه داشتن این واقعیت که جمهوری اسلامی با صرفا با سرکوب انقلاب و مردم آزادیخواه

طول موج
رادیو انترناسیونال
هر شب
۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه
بوقت تهران
۲۵ متر برابر با
۱۱۶۳۵ کیلوهرتز
و
۱۱۹۰۵ (فرکانس جدید)
تلفن:
۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹

ایسکرا
سردبیر: ایرج فرزاد
iraj_farzad@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۶۷۰۳۶۸۸۵۱۱
فکس: 00448701687574
آدرس:
K.F.K.S
Box 15203
104 65 Stockholm
پست گиро: ۲-۱۶۷۸۴۷۱

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حاشیه نشینی...

مورد از آنها می پردازم. اما قبل از وارد شدن به بحث محتوایی توضیح چند نکته کوتاه در این رابطه را لازم می دانم: رهبری کومه له به سکوت عادت دارد اما دو نوشته اخیرشان عکس العمل به فشار سیاسی شدیدی است که در این دور تقابل ها بر خود احساس می کردند. اختصاص دادن حجم بیشتر گفته هایشان بخصوص نزدیک به تمام مصاحبه رفیق ابراهیم علیزاده به نقد ما، نشان میدهد که بیشترین فشار را از جانب ما احساس می کنند. اینها به نظر من عمداً جای اولیتهای سیاسی را با هم عوض می کنند. بدین ترتیب رفع فشار از طرف حزب کمونیست کارگری ایران و برائت از کمونیسم کارگری را لازم دیده اند. گرچه مستقل از صحت و سقم نقدشان اگر در شرایط دیگری همین مواضع را در مورد تاریخ حزب کمونیست و کومه له ابراز میکردند بحث بجای دیگری میرفت و در آن صورت رد و یا قبول نظراتشان موضوعیت پیدا می کرد.

اما نکته مهم این است در حالی که باند ایلخانی مهدی به جان کومه له افتاده اند، می خواهند از این طریق سازمانی قوم پرست و فالانژ ناسیونالیست راه بیاندازند، حزب کمونیست کارگری مسئولانه دخالت کرد و معرفی ماهیت ارتجاعی تلاشهای این باند را به مردم کردستان در دستور خود گذاشت، کومه له با دادن اطلاعیه ای چند خطی و سطحی از دخالت فعال کنار کشید. کل اینها فاکتور مهمی در تعیین جایگاه سیاسی نوشته و مصاحبه اخیر رهبری کومه له است. ابراهیم علیزاده با حمله به حزب کمونیست کارگری ایران در چنین شرایطی می خواهد به چه درون تشکیلاتش بگوید آرام باشید، چه و کمونیست همین است که هست. در عین حال میخواهد به راست درون کمیته مرکزیشان اطمینان خاطر دهد که فاصله با حزب کمونیست کارگری را حفظ خواهد کرد. من امیدوارم به همین سطح بسنده کنند گرچه در دنیای واقعی نتیجه سیاسی آن به اینجا ختم نمی شود و پیام غیر مستقیم می به سازمانهای

ناسیونالیستی هم هست، جواب و عقب نشینی آشکاری در مقابل باند مهدی هم هست. چند سال پیش بود که فردی از رهبری کومه له در مقابل دفاع ما از پیشمرگانی که توسط اتحادیه میهنی دستگیر شده بودند و در معرض تحویل به جمهوری اسلامی بودند به ما حمله کرد. چرا این بار هم رفیق ابراهیم علیزاده در مقابل چاقو کشی باند مهدی علیه کومه له و دوباره ما را مورد حمله قرار داد؟ ابراهیم علیزاده باید قبول کند که دنبال راهی افتاده که دیگران چند سال پیش از آن گذر کردند. نکته بعدی نپرداختن نوشته ها به اصل ماجرا بود. بر سر سرنوشت کومه له غوغایی بر پا شد، اما موضعگیری گنگ و نا روشن رهبری آن مسئله مورد نزاع را هم چنان باقی گذاشت. سرنوشت کومه له و اثر گذاری بر آینده آن همچنان در دستور گرایشات مختلف اجتماعی و نیروهای سیاسی آنها در منطقه است. ابراهیم علیزاده تقابل مهم و سیاسی این دوره را تا حد تقابل های "سازمانی" و از نظر خودش غیر اجتماعی تقلیل داده است تا با قد و قواره نقش و جایگاه امروز کومه له جور در آید، فکر می کنند با کنار کشیدن از این ماجرا دیگران ضعیف و آنها قوی خواهند شد.

کومه له به کجا میرود؟

ابراهیم علیزاده در همان مصاحبه می گوید: «این تنهائونیسند» (قطعنامه استراتژی کومه له در جنبش کردستان) نیست که باید از این تاریخ واقعی آن دوره مدال افتخار بگیرد. در این مبارزه مشترک هر کس هر چه داشت در طبق اخلاص می گذاشت. کسی نمی خواهد حق نویسندگان مقالات و قطعنامه ها را پایمال کند. اما لطفاً در این مورد نقش و ارزش کار جمعی را فراموش نکنید. باید بگویم که من از اینکه رهبری کومه له فعلی لفظاً هم که شده پایبندی اش را به قطعنامه استراتژی کومه له در جنبش کردستان، برنامه حزب کمونیست ایران، و بیانیه حقوق پایه ای مردم زحمتکش در کردستان و دیگر اسنادی که منصور حکمت آنها را نوشته اعلام می دارد، خوشحالم. اما

سیاسی او در کومه له جوابی به چه داده است و دل راست درون و بیرون سازمانش را به جا آورده و به روال معمول تعادلی را حفظ کرده است. اما به نظر این هنوز تمام مسئله نیست، اصل حفظ فاصله با آن تصویر واقعی و اجتماعی از منصور حکمت و کمونیسمی است که در دل صف آرای طبقاتی امروزه در مبارزه کارگری، جنبش برابری طلبانه زنان، شوق نسل جوان برای تحول و آزوهای تمام مردم آزادیخواه وجود دارد. اما در عین حال چنین موضعی، گردن کجی و زبونی سیاسی در مقابل ناسیونالیسم و باند های مختلف آن در منطقه است. این جهت عمومی بر تمام مصاحبه ابراهیم علیزاده سایه انداخته است. در ادامه خواهیم دید که در اشکال دیگری خود را نشان میدهد.

در قدم بعدی به روش ما در برخورد به کادر و رهبری میرسد. دلنویایی های نابجا، دادن جایگاه غیر واقعی به کادرهای خود، پراتیک دیگران را با این فرمول ها به حسابشان نوشتن، تحقیر آنها، راضی نگاه داشتن و وادار کردنشان به سکوت در این راستا است. تعریف جایگاه و ارزش کار جمعی و تشکیلاتی با نفی نقش شخصیتها انجام نمی گیرد، منصور حکمت جای کسی را اشغال نکرده است. می شود این دو را با هم قاطی نکرد و حرف خود را صریحتر و بی پرده زد. نکته جالب در مصاحبه ابراهیم علیزاده تاکید او به تفاوت های جدی با حزب کمونیست کارگری ایران است. انتظار می رفت که به مسائل مهم برنامه ای و سیاسی در این مورد بپردازد، ولی بلافاصله و منحصر از مسئله ملی سر در آورده است و در این مورد مثال می آورد. می گوید که مواضعشان با ما ریشه های مشترکی دارد ولی "تفاوتهایی وجود دارد که در عمل می تواند به معنی حضور و یا ترک یک جنبش اجتماعی باشد همین جمله گنگ را می گوید و بحث تفصیلی را به فرصت دیگری حواله می دهد. من هم بحث تفصیلی را در این مورد می گذارم برای وقتیکه ایشان نظرات خودش را بگوید، اما ایشان منظور خود و نکته اصلی مورد نظرش را با همین جمله کوتاه گفته است و پیامش را به آنها می گوید که خواسته رسانده است. اگر غیر از این بود تفاوت های

جدیش را از اینجا شروع نمی کرد. ناسیونالیستها به کمونیستها بطور عموم و در این دور در کردستان بطور خاص به حزب کمونیست کارگری می گویند که "جنبش کردستان به ما مربوط نیست و آنرا ترک کرده ایم". موضع ناسیونالیستهای کرد قبل از اینکه بیانگر هیچگونه واقعیتی باشد، آرزوهای آنها در کردستان است و آنها یک مبارزه سیاسی و کمپین تبلیغی وسیع علیه کمونیسم کارگری است. جمله کوتاه ابراهیم علیزاده پیامی گویا به این گرایش ناسیونالیستی است. اصمیتان دارم اگر حزب کمونیست کارگری ایران در سایه جلال طالبانی، مسعود بارزانی و حکومت عراق، چادری را با چند نفر مسلح در مرز بر پا کرده بود، حتی اگر ده سال ازگار کوچکترین تماسی با مردم کردستان ایران نداشتیم، در دستگاه فکری ایشان هم نیروی اجتماعی و با ریشه بودیم و هم نیروی "دخیل" در مسائل کردستان. اگر از ابراهیم علیزاده پرسید باند ایلخانی - مهدی را چه می دانید حتماً تحلیل و تعریفی در باره ریشه های "اجتماعی" این جماعت به عنوان نیروی "دخیل" ارائه خواهد داد. در مصاحبه ابراهیم علیزاده به نکات دیگری از جمله برنامه مدون، خط مشی جاافتاده، برنامه های رادیویی، و داشتن مواضع برای مسائل سیاسی و تاکتیکی اشاره دارد و ادامه میدهد که بسیار نزدیک تر از آنچه امروز در حزب کمونیست کارگری گفته می شود و پراتیک می گردد به کمونیست نزدیک تر هستند. فعلاً از این بحث بگذریم که بیشتر از یک دهه پیش بود که همه ما در کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران و کومه له قدیم در مورد تدقیق همان برنامه و نارسایی آن توافق نظر داشتیم. با این وجود عملکرد و سیاست های این دهه کومه له با همین برنامه و قطعنامه های استراتژی کنگره ششم کومه له مغایرت دارد و عملاً و رسماً بسیاری از بندها و سیاستها و تاکتیکهای گذشته، از جانب رهبری کومه له کنونی به کنار نهاده شده و مورد تجدید نظر قرار گرفتند. در رابطه با برنامه و خط مشی،

جلال طالبانی و بازی "شرمندگی" با کومه‌له



ریبوار احمد

جلال طالبانی در روزنامه حزبش، "کوردستان نوی" شماره ۲۴۸۶ و به تاریخ انتشار ۲۳ ژوئن ۲۰۰۱، شاهکاری به نام "این بار هم من در آن شرمندهدم" نوشته است. عنوان نوشته طالبانی این سوال را مطرح میکند که او از چه وقتی این اندازه صریح بوده است که به این شیوه به شرمندگی خود اذعان کند؟ اما مستقل از این مساله، توجه خواننده به این جلب میشود که خود موضوع مورد بحث طالبانی بر سر چه بوده است. گویا طالبانی خواسته است

اشتباهاتی را که در یک گزارش چاپ شده در شماره های قبلی روزنامه کوردستان نوی، بخاطر "تعجیل در نوشتن و خواندن منابع" بروز کرده بودند، اصلاح کند. این اشتباه هم عبارت بوده است از اینکه در لیست کردن نام "پیشمرگ های دکتر" "جنبش" اسامی غلط و عوضی چاپ شده بودند. برای هر کسی قدم بدست باشد و با این هنر در صفت اتحادیه میهنی فعالیت کند، منطقاً نمیشود با نام دکتر جعفر شفیعی آشنا نباشد و از آن عجیبتر اینکه نام او را با نام ابراهیم علیزاده عوضی بگیرد. از این رو آن اشتباهاتی که طالبانی را "شرمند" کرده است به نظر میرسد از طرف خود او و عمداً بوده باشد. به نظر میرسد طالبانی توصیه کرده باشد چنان اشتباهاتی را مرتکب شوند تا او به بهانه اصلاح آنها، از کومه‌له و ابراهیم علیزاده دلجویی کند. چرا که چنین پیادستی که طالبانی حدس میزند که چنین دلگیری‌هایی وجود دارد. به هر حال حتی اگر واقعا و با فرض محال چنان اشتباهاتی هم بدون اطلاع طالبانی رخ داده باشند، او آنها را برای همان هدفی که توضیح دادم از آسمان

قاپیده است و خود را با آن شرمند کرده است. اساس مساله این است که طالبانی فکر میکند که کومه‌له و ابراهیم علیزاده باید از دست او ناراحت شده باشند چرا که طالبانی بیش از دو سال است که با کمک دارو دسته سرسپرده خویش در درون کومه‌له توطئه ایجاد اشعاب در کومه‌له را پیش میبرد. طالبانی این نقشه و توطئه را تدارک دید و با دادن پول و امکانات فنی و عملی به باند ایلخانیزاده-مهدتی تصمیم به ایجاد اشعاب و تکپاره کردن کومه‌له را تعقیب کرد. در نتیجه چنین پروسه‌ای بود که باند انشعابی از کومه‌له را آغاز کردند و میخواستند با کمک و حمایت طالبانی کودتائی را علیه کنگره کومه‌له سازمان دهند. حتی خود طالبانی چون عامل فشاری علیه کنگره کومه‌له به نفع دارو دسته سرسپرده خود، مستقیماً وارد ماجرا شد. بعلاوه طالبانی بطور غیر مستقیم نیروی مسلح خود را چون تهدیدی بالای سر کومه‌له نگهداشت. باند انشعابی از کومه‌له از آن زمان به بعد تمام امکانات خود را از پول دست دومی که طالبانی از جمهوری اسلامی دریافت میکند،

تهیه کرده‌اند. اما هر کس طالبانی را بشناسد، این را هم میداند که این نوع ریاکاریها و خود را شرمند نشان دادن از خصوصیات اصلی جلال طالبانی است که با آنها هم معروف است. در اروپا "سکولار" و سوسیال دمکرات است، در تهران درویش حسن و حسین است و روی گور خمینی گریه میکند و سینه میزند، در بغداد سر و صورت صدام را می بوسد و در آنکارا، چون به زبان انگلیسی نام ترکیه و بوقلمون یکی است، میگوید "دیگر بوقلمون نمیخورم"، در مقابل زنان طرفدار حق مساوی زن و مرد است، نزد اسلامیها افتخارش این است که به او بگویند "حجت‌الاسلام آیت‌الله طالبانی" و حقوق زنان را طبق شرع اسلام رعایت میکند. هر وقت هم اوضاع زمانه اقتضا کند، خود را طرفدار مارکس میداند و از مائو و لنین انتقاد میکند که از راه مارکس منحرف شدند. اصلاً عجیب نیست که این آدم با چنین خصوصیتی از طرفی برای منشعب کردن کومه‌له توطئه کند و با پول و امکانات عوامل سرسپرده خود را تقویت کند و از طرف دیگر خطاب به ابراهیم علیزاده بگوید از چاپ

اشتباهی نام او "شرمند" است چرا که او در وقت خود خوراک و پوشاک برای اتحادیه میهنی برده بود! اما سوال این است که کومه‌له و ابراهیم علیزاده چگونه با این بازی تظاهر به شرمندگی طالبانی برخورد میکنند؟ با این پیام و پیام کاری که به مناسبت‌های مختلف بین کومه‌له و طالبانی رد و بدل میشود، به نظر نمی رسد ماهیت "دوستی" طالبانی را به خوبی شناخته باشند. اما حداقل بعد از توطئه‌های سال گذشته طالبانی علیه کومه‌له و شخص ابراهیم علیزاده، دیگر نه میشود و نه شناسند و دوستی و دشمنی جلال طالبانی را با کومه‌له به درستی تشخیص ندهند. از این رو منطقاً ابراهیم علیزاده نباید هیچ ارزشی برای این شوخی بی مزه طالبانی قائل باشد. ماهیت طالبانی باید برای کومه‌له مشخص شده باشد و دلنوائی فریبکارانه این موجود از کومه‌له و دشمنی او با کومه‌له که در پوشش تظاهر به دوستی ادامه دارد، عیان شده باشد.

حاشیه نشینی...

کومه‌له به جای مبارزه قاطع و بدون ابهام با مذهب، "مذهب زحمتکشان" و ضرورت تمکین و انعطاف در برابر آترا را کشف کرد، علیه سیاست حزب در مورد شوراها کارگری نوشتند و یواشکی تحت لوای بحث در مورد تشکلهای توده ای آن را به کنار نهادند. حزب دمکرات کردستان ایران را انقلابی خواندند، با دوازده سازمان کردی اطلاعاتیه مشترک امضا کردند، در کنگره ملی کردها شرکت کردند، در "پارلمان" باندهای عشیره ای کردستان عراق سخنرانی کردند و آنها را دولت نوپا نامیدند و هنوز هم هوای باند مهدتی ایلخانی را دارند. از کجای برنامه قبلی زانو زدن در مقابل ناسیونالیسم را استخراج کردند؟ این سیاستها

با کدام برنامه و سیاست حزب کمونیست و کومه‌له قدیم سازگار است؟ با جریانات رفورمیست و بورژوایی چون راه کارگر و حتی حزب توده اعلامیه مشترک دادند، حالا هم در بدر دنبال اتحاد "همگرایی" با این طیف از سازمانها هستند. این است "نزدیکتر شدن" کومه‌له به کمونیسم؟ بعد از جدائی کمونیسم کارگری، کومه‌له پراتیک خیلی کمی داشته است، بسیار کم هم اظهار نظر و اعلام موضع سیاسی داشته است، اما هر بار که کاری کرده‌اند و چیزی گفته اند خرابش کرده اند. اما صدها برابر سنگین تر از ایراد به گفته ها و به پراتیک شان، ایراد جدی تر سکوت معنی دار و تاریخی یازده سال گذشته در مورد مسائل و تحولات مهم در منطقه است. سکوت در مقابل جانیهای اتحادیه میهنی و حزب

دموکرات کردستان عراق، در برابر ترور کارگران کمونیست توسط این مزدوران، ترور و کشتار زنان به بهانه های ناموسی، ترور صدها پناهنده سیاسی توسط جمهوری اسلامی با همکاری باند طالبانی، حمله به حزب کمونیست کارگری عراق و کشتار کمونیستها، قصابی تعداد زیادی از زنان توسط دارو دسته های وابسته به جمهوری اسلامی که در حمایت عشیره طالبانی بخشی از آن منطقه را در دست دارند، سکوت در برابر خوارها خرافه ملی مدهبی که نیروهای ناسیونالیست در منطقه روزانه به خورد مردم می دهند، افشا نکردن پ ک ک این جریان ارتجاعی و همدست جمهوری اسلامی.

مسائل اجتماعی و موضع سیاسی

ابراهیم علیزاده به خط مشی و

مدون اشاره کرده است، اگر این ادعای صرف نیست، لطفاً یکی دو سند کمونیستی را که بعد از جدائی کمونیسم کارگری به تصویب کومه‌له رسانده‌اند به ما نشان دهند. از این گذشته اسناد برنامه‌ای و حتی مدون جواب مشکل کومه‌له نیست. موضع سیاسی و پراتیک امروزتان تعیین میکند که کدام برنامه و تئوری راهنمای شماست و نه بر عکس. اتفاقاً کومه‌له یکی از بی نقش ترین نیروهای سیاسی در طول یک دهه پر تحول اخیر منطقه در کردستان بوده است. لطفاً به ما بگویند در طول یک دهه اخیر با وجود دنیایی از مسائل و دورانیهای مهمی که به زندگی مردم مربوط بوده است، کسی هست نشان دهد که کومه‌له در رابطه با آن تحولات و تغییرات اجتماعی و سیاسی یکی از طرف های اصلی در گیر در ماجرا بوده

است؟ کومه‌له کمونیست بودن را برای کی می خواهد؟ کومه‌له نه تنها در مصاف های اجتماعی نقش نداشته بلکه حتی در رابطه با رویدادهای درون خودش هم برخورد فعال و مسئولانه نداشته است و واقعیات را برای مردم توضیح نداده است. قیچی کردن رویدادهای بزرگ و کوچک کردن آزادی آنها طوری که با موقعیت و قد وقواره کومه‌له جور در آید خطای بزرگ سیاسی است و این سیاست کومه‌له را به بیراهه ای می برد که معلوم نیست از کجا سر در می آورد. کومه‌له "نجیب‌ی" که سعی می کند تنه اش به تنه کسی نخورد قدم در کوره راهی گذاشته است که با یک تشکیلات کمونیست و رزمنده فاصله زیادی دارد. ژوئیه ۲۰۰۱

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

بازهم در باره مواد مخدر

ایرج فرزاد

روزی نیست که خبر تاسف بار مرگ انسانهای معتاد به مواد مخدر را نشنوم. جسد فلان جوان معتاد در فلان خرابه و یا قبرستان پیدا شد. فلان جوان معتاد پس از تزریق با سرنگ آلوده، جان سپرد. واقعیت وحشتناک، گسترش اعتیاد در میان جوانان و در میان دانش آموزان است. مقامات رژیم دیگر انکار نمیکنند که قیمت هروئین از دیگر مواد مخدر ارزانتر است. عواقب اعتیاد به هروئین بسیار خطرناکتر و تاثیر مخرب آن بر روان و جسم فرد معتاد سریعتر و فلج کنندهتر است. در عین

حال ترک اعتیاد به هروئین بسیار مشکلتر است و در اکثر حالات انسان معتاد را تا پای مرگ با خود همراه میکند. همین خاصیت خطرناک ابتلا به هروئین، کار شبکههای بزرگ توزیع آن را سادهتر میکند، به این معنی که بعد از مبتلا کردن جوانان و ارائه ارزانتر مواد مخدر در مراحل اولیه، آنها را وادار و ناچار میکنند که در برابر تهیه مواد مخدر وارد شبکه توزیع شوند. باین ترتیب باندهای بزرگ مافیائی دولتی و غیر دولتی خود در پشت صحنه قرار میگیرند. دیدهایم که هر از گاهی تعدادی

از این انسانهای له شده و توزیع کننده خرد را بالای دار و از جرثقیل آویزان میکنند. خطر مرگ و رفتن بالای دار با وابسته شدن فرد به مواد مخدر و وارد شدنش به شبکه توزیع دیگر هر لحظه بالای سر این انسانهای طرد شده و منزوی از زندگی اجتماعی آویزان است. اینها دیگر "فاسد" اند، "خطرناک" اند، "کثیف" اند و جامعه و مردم به شدت از آنها فاصله میگیرند. خانوادههایی که فرزندانشان به چنین دردی مبتلا هستند دیگر روال عادی زندگی را از دست میدهند، همیشه سرشکسته و مایوس و غمگین اند. باین ترتیب دامنه تاثیرات مخرب اعتیاد و نتیجه برنامههای شوم شبکههای مافیائی توزیع مواد مخدر تارو پود جامعه را در خود میفشرد. انسان معتاد به مواد مخدر مخصوصا هروئین، بعد از

گرفتار شدن به این مصیبت، حاضر است برای بدست آوردن مواد مصرفی دست به هرکاری بزند، وارد شبکه توزیع میشود، دزدی میکند، کیف زنی میکند، اموال و دارائی خانوادهاش را به تاراج میبرد و خود را بعنوان یک "مجرم" در معرض هرتعرض و دست درازی ماموران رژیم قرار میدهد. در همان حال رژیم اسلامی با جمع آوری اینها از خیابانها، دستگیری و زندانی و به دار آویختنشان، به لافزنی در مورد مبارزه با مواد مخدر میپردازد. و این در حالی است که خود شبکههای دولتی در پناه قانون و اسلام به کار کثیف و ثروت اندوزی از طریق پخش مواد مخدر بدون هیچ نگرانی ادامه میدهند. طبق اقرار بختیاری، رئیس سازمان زندانهای جمهوری اسلامی، تنها طی چند



به یاد کوچ...

آمدند تا از این طریق به سرکوب و کشتار مردم دست بزنند. این توطئه اما با هوشیاری کمونیست ها خنثی و از این جنگ تحمیلی جلوگیری به عمل آمد. مردم شهر مریوان تحت رهبری کمونیست ها و اتحادیه دهقانان و سایر تشکل های موجود در شهر با یک اقدام متحدهانه تصمیم به تخلیه شهر گرفتند. این اقدام با تکیه بر تجربه دهقانان دارسیران که در دوره رژیم شاه در اعتراض علیه ملاکین به چنین کاری دست زده بودند، صورت گرفت. پس از اینکه چگونگی این تصمیم و سیاست رژیم در این مقطع، به اطلاع مردم شهر رسید، شهر در فاصله کمی خالی از سکنه شده و فقط نیروهای مسلح اتحادیه دهقانان و ستاد نظامی که تحت اتوریته شورای شهر بود برای حفاظت از شهر باقی ماندند.

کوچ دستجمعی و اعتراضی مردم یک شهر اقدامی کم سابقه در تاریخ بود که با پشتیبانی مردم سایر شهرهای ایران روبرو شد. خبرنگاران و ژورنالیستها و نمایندگان خبرگزاری های مختلف این کوچ اعتراضی مردم را منعکس کردند. رژیم هار اسلامی که با یک شهر خالی از سکنه روبرو شده بود ناچار به مذاکره با نمایندگان مردم شد. در مذاکرات هیئت های

"ما این برگ ها را می خوریم و حاضریم گرسنگی بکشیم اما حاضر نیستیم تسلیم شرایط فشار و زورگویی شما ها بشویم." آیت الله متوهم با مشاهده اقدام این زن مبارز، دمش را روی کول گذاشت و با سرعت محل کوچ را ترک کرد. کوچ اعتراضی دو هفته طول کشید. در این دو هفته حمایت های وسیعی از این حرکت اعتراضی انجام گرفت که در نوع خود کم سابقه بوده اند. مردم شهر سنندج ۱۲۵ کیلومتر فاصله سنندج - مریوان را به نشانه همبستگی با این اقدام مردم شهر مریوان پیاده راهپیمائی کردند. از شهرهای بانه، سقز و مهاباد نیز جمعیتی بعد از ۴ روز پیاده روی به مریوان رسیدند. تمام مردم روستاهای مریوان با تامین تدارکات و مواد خوراکی کوچ کنندگان را حمایت کردند. از اکثر شهرهای ایران کمونیست ها و چپ ها با جمع آوری کمک های مالی و پزشکی به محل کوچ آمدند. خیلی ها هنوز چهره صمیمانه دکتر بهمن که از یکی از شهرهای خارج از کردستان برای کمک به مردم انقلابی به محل کوچ آمده بود، را بیاد دارند که با رفقای جان باخته عثمان حقیقت و هوشنگ مجاوری امورات پزشکی اردوگاه را به عهده داشتند. متاسفانه دکتر بهمن توسط خلخالی جلاد یک ماه بعد در پادگان مریوان اعدام و رفقا عثمان حقیقت و هوشنگ مجاوری در درگیری های کردستان در راه دفاع از

سوسیالیسم جان باختند. بلاخره بعد از دو هفته توافقاتی مبنی بر اینکه فقط نیروهای شهریانی در شهر مسلحانه ظاهر شوند و نیروهای اتحادیه دهقانان و ستاد نظامی شورای شهر و نیروهای ارتش و سپاه و سایر نیروهای وابسته به رژیم نباید وارد شهر شوند کوچ به پایان خود رسید و رژیم به هدف خود یعنی تحمیل جنگی که تصمیم اش را گرفته بود نرسید. (یک ماه بعد بالاخره این جنگ را با حمله به شهر پاوه آغاز کرد).

این حرکت اعتراضی درس ها و تجارب بسیاری را در بر داشت. از جمله تشخیص درست و به موقع اوضاع سیاسی، اجتماعی و نظامی که کمونیست های آن دوره این مهم را تشخیص دادند. مشارکت خود توده مردم که جلسات هر روزه به صورت مجمع عمومی برگزار می شد و خود تصمیم می گرفتند و نمایندگان

عبدالله نودینیان.



کمیته کردستان

رحمان حسین زاده (دبیر کمیته)

email: r_hoseinzadeh@yahoo.com

Tel: 0046 739 855 837

مسئول دبیرخانه کمیته کردستان

هلاله طاهری

Tel: 0046 73 61 62 211

email: halaletaheri@hotmail.com